حمايت از محيط زيست در جنگ‏ها

قسمت دوّم‏

ناظر حسين زكى‏

حقوق و قواعد زيست محيطى دوران جنگ

با توجه به زيانى كه در اثر جنگ بر محيط زيست وارد مى‏شود و با اذعان به اين كه حفظ محيط زيست از مسائل و موضوع‏هاى مهم جهانى است و نقش مهم و تأثير گذارى بر حيات مادى و معنوى بشر دارد، از اين رو همكاريهاى بين المللى براى حفظ محيط زيست به وجود آمد.

همكاريهاى بين المللى به طور رسمى براى بهبود محيط زيست به زمان تأسيس ملل متحد باز مى‏گردد(1)، هر چند كه قبل از آن نيز همكاريهاى بين المللى وجود داشته است، چنان كه حقوق و قوانين بشر دوستانه به دوران شكل‏گيرى سازمانهاى بين المللى بر مى‏گردد، ولى در نظام حقوقى اسلام به پانزده قرن پيش باز مى‏گردد كه حضرت محمد - صلى اللَّه عليه و آله - پايه گذار آن بود.(2) در اسلام قوانين و اصولى وجود دارد كه از محيط زيست در دوران جنگ حمايت مى‏كند.

قوانين عام و خاص‏

به طور كلى براى حمايت از محيط زيست در جنگها دو نوع قواعد و مقررات حقوقى وجود دارد، يك نوع قواعد و اصول عام كه از آنها مى‏توان به نفع حمايت از محيط زيست استفاده كرد؛ چه در دوران صلح و چه در دوران جنگ.

نوع دوم قواعد و اصولى است كه در خصوص حمايت از محيط زيست در جنگهاى مسلحانه وارد شده است و اين دو نوع از قواعد و اصول قرنها پيش از شكل‏گيرى اصول و قواعد بشر دوستانه در متون دينى و اسلامى آمده است. نيز اين دو نوع قواعد و اصول در ميثاق نامه‏ها و اعلاميه‏هاى بين المللى به چشم مى‏خورد.

در اين جا به اختصار به بررسى و اثر گذارى اين دو نوع قواعد بر محيط زيست در حقوق بشر دوستانه اسلامى و بين المللى مى‏پردازيم.

الف - قوانين عام‏

در اسلام قواعد و اصول زيادى وجود دارد كه به خوبى از محيط زيست و مسائل زيست محيطى در دوران جنگ حمايت مى‏كند كه به پاره‏اى از آنها اشاره مى‏شود:

1- استفاده بهينه از طبيعت براى عموم انسان

از ديدگاه اسلام تمام پديده‏هاى طبيعى براى انسان(3) كه اشرف مخلوقات(4) و خليفه خداوند در زمين(5) است، آفريده شده. خداوند طبيعت را در تسخير بشر قرار داده تا به شيوه صحيح و مناسب از آن بهره ببرد، چنان كه در آيات زيادى در قرآن كريم به آنها اشاره شده است، نظير آياتى كه در زير آورده مى‏شود:

«خداوند همان كسى است كه دريا را مسخر شما كرد تا كشتيها به فرمانش در آن حركت كنند و بتوانيد از فضل او بهره گيريد، و باشد كه سپاس داريد. او آنچه در آسمانها و آنچه در زمين است به سود شما رام كرد، در اين نشانه‏هاى مهمى است براى كسانى كه انديشه مى‏كنند.»(6)

«او خدايى است كه همه آنچه را [از نعمتها] در زمين وجود دارد، براى شما آفريد، سپس به آسمان‏ها پرداخت، و آنها را به صورت هفت آسمان مرتّب كرد، و او به هر چيز آگاه است.»(7)

«او كسى است كه زمين را براى شما رام كرد، بر شانه‏هاى آن راه برويد و از روزيهاى خداوند بخوريد، و بازگشت و اجتماع همه به سوى اوست.»(8)

«در آفرينش آسمانها و زمين، و آمد و شد شب و روز، و كشتيهايى كه در دريا به سود مردم در حركتند، و آبى كه خداوند از آسمان نازل كرده، و با آن، زمين را پس از مرگ، زنده كرده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و [همچنين‏] در تغيير مسير بادها و ابرى كه ميان زمين و آسمان آرميده است، نشانه هايى است [از ذات پاك خدا و يگانگى او ]براى مردمى كه مى‏انديشند.»(9)

با توجه به آياتى كه ذكر شد، طبيعت در تسخير انسان و براى بهره بردارى در اختيار او قرار دارد. انسان مى‏تواند با استفاده از تواناييها و خلاقيتهايى كه خداوند در سرشت او قرار داده، بهترين بهره را از طبيعت ببرد، و با خردورزى دنيا را مزرعه آخرت و سرمايه زندگى اخروى خويش قرار دهد.

استفاده بهينه از طبيعت به حفظ طبيعت بستگى دارد، در صورتى كه بشر كمر به نابودى طبيعت ببندد، موجب محروميت نسلهاى بعد از اين مواهب الهى مى‏شود. استفاده و بهره بردارى بهينه از طبيعت و حق داشتن نسلهاى بعدى به مواهب و نعمت گسترده الهى، بشر را ملزم به رعايت حفظ محيط زيست مى‏كند. اين نكته اختصاص به دوران صلح ندارد، بلكه اصل استفاده همه انسانها از طبيعت، بشر را ملزم مى‏كند كه در جنگها طورى عمل كند كه موجب محروميت نسلهاى بعدى از طبيعت نگردد؛ زيرا منابع طبيعى براى عموم انسانها است. اين اصلى است كه اسلام قرنها پيش به آن پرداخته بود و غرب با عبور از لايه‏هاى ظلمانى قرون و پشت سرگذاشتن جنگهاى وحشتناك قرون وسطايى توانست در عصر شكوفايى خرد و انقلاب صنعتى به آن برسد كه امروز دانستن و درك آن براى روشنفكران شرقى مايه مباهات است.

همين اصل مورد توجه ديوان بين المللى دادگسترى در صدور رأى در قضيه قلمرو ماهيگيرى انگلستان و آلمان عليه ايسلند در 25 جولاى 1974م. قرار گرفته و چنين آمده است:

«اين منابع تنها براى استفاده نسل حاضر نيستند، بلكه بايد براى نسل آينده نيز حفظ شوند و اين كه هيچ دولتى نمى‏تواند منحصراً از منابع طبيعى محيط زيست استفاده كند و ميراث مشترك بشر را ناديده بگيرد؛ چرا كه اين منابع نعمتهايى هستند كه براى استفاده نسل حاضر و نسل‏هاى آينده هستند. بر اين اساس، بقاى منابع طبيعى همانند اصل توجه به منافع سايرين، ستونهاى حياتى و اصلى حقوق محيط زيست را تشكيل مى‏دهند.»(10)

2- اصل كرامت بشرى

كرامت به معناى شرف، كمال و پاك بودن از آلودگى است(11) و اين اصل به عنوان حق براى انسان در نظر گرفته شده است. كرامت و كمال از نگاه اسلام به دو نوع كرامت ذاتى و اكتسابى (= ارزشى) تقسيم شده است. كرامت ذاتى، كمالى است كه همه انسانها تا زمانى كه با ارتكاب خيانت و جنايت آن را از خود سلب نكرده‏اند از آن برخوردارند. بشر به موجب آيه شريفه «ولقد كرمنا بنى آدم»(12) شايسته تكريم است. از ديدگاه اسلام، بشر در بهترين صورت و نظام آفريده شده و خليفه خداوند در روى زمين است.(13)

رسول خدا - صلّى اللَّه عليه وآله - به كرامت بشرى چنين اشاره كرده است:

«اى مردم! بدانيد كه خداى شما يكى است و نيز پدران شما يكى است، عرب و عجم، سياه و سرخ با هم برابر و مساوى هستند، هيچ يكى بر ديگرى برترى ندارند، جز به سبب تقوا.(14)»

كرامت بشرى در ماده يك اعلاميه جهانى حقوق بشر نيز مورد توجه قرار گرفته و چنين آمده است:

«تمام افراد بشر آزاد به دنيا مى‏آيند و از لحاظ حيثيت و حقوق با هم برابرند؛ همه داراى عقل و وجدان مى‏باشند و بايد نسبت به يكديگر با روح برادرى رفتار كنند.»

كرامت بشرى در اعلاميه اسلامى حقوق بشر نيز مورد توجه قرار گرفته و در ماده يك آن، بشر را يك خانواده و همه را در اصل شرافت انسانى و تكليف و مسئوليت برابر دانسته است.

اصل كرامت و رفتار انسانى با يكديگر از پايه‏ها و اصول بنيادين حقوق بشر دوستانه است كه در جنگها نبايد مخدوش شود، بلكه در جنگها نسبت به انسانها به گونه‏اى رفتار شود كه كرامت ذاتى آنها خدشه دار نشود. بى گمان رفتارى نظير آتش زدن خانه‏هاى مسكونى، قتل عام غير نظاميان، و كندن پوست سر كودكان و زنان و از بين بردن مزرعه‏ها و كشتزارها و كوچاندن اجبارى، به معناى پامال كردن حق كرامت بشر است. بر عكس، رعايت اصل كرامت ذاتى انسان و مورد تعرض قرار ندادن كرامت بشرى، در حفظ محيط زيست در جنگها كمك فراوانى مى‏كند.

3 - اصل پرهيز از وارد كردن خسارت به ديگرى‏

در اسلام قواعد و اصول زيادى نظير قاعده «لاضرر»، قاعده «ضمان»، اصل بهداشت و نظافت و مانند آنها وجود دارد كه زمينه و بستر خوبى براى حفظ محيط زيست به شمار مى‏رود.

قاعده «لاضرر» در دين اسلام قلمرو بسيار وسيعى دارد، و تمامى زواياى زندگى بشر را در بر مى‏گيرد. از جمله موارد ضرر، تخريب محيط زيست و آسيب رساندن به زندگى فردى و اجتماعى انسان است.

قاعده لاضرر در قالب حديث در حدّ تواتر به اثبات رسيده(15) و دانشمندان نامدار شيعه همانند شيخ انصارى و صاحب كفايه درباره آن به تفصيل بحث كرده‏اند و صاحب نظران اهل سنّت نيز به اين قاعده اهتمام ورزيده و از طريق آنها نيز وارد شده است.(16)

امام باقر - عليه السلام - از قول رسول خدا - صلى اللَّه عليه و آله و سلم - فرمود: «ضرر زدن به خود و ضرر وارد كردن به ديگران [در اسلام‏] وجود ندارد.(17)»

از امام صادق - عليه السلام - روايت شده كه پيامبر خدا در مورد شفعه در ميان شريكان زمين و مسكن داورى كرد و فرمود: «ضرر و آسيب رساندن به ديگرى [در اسلام‏] وجود ندارد.»(18)

از امام صادق - عليه السلام - روايت شده كه رسول خدا - صلى اللَّه عليه و آله و سلم - در ميان اهل مدينه در مورد مشارب نخل دستور صادر كرد كه از نفع رساندن چيزى به يكديگر امتناع نورزند، و به باديه نشينان دستور داد كه از استفاده از آب ممانعت به عمل نياورند تا ديگران نيز از آبها و چراگاه‏ها بهره ببرند، زيرا كه ضرر و زيانى وجود ندارد.(19)

در وسائل الشيعه آمده است:

«لا ضرر و لا ضرار فى الاسلام، فالاسلام يزيد المسلم خيراً و لا يزيده شراً.»(20)

«در اسلام ضرر و ضرار نيست، اسلام به مسلمانان خير را فزونى مى‏بخشد، نه شر را.»

احاديث نفى ضرر نشان دهنده اين است كه شعاع قاعده لاضرر سراسر زندگى انسان را در بر مى‏گيرد. نحوه استدلال در باره حديث «لاضرر» نشان مى‏دهد كه اسلام ضرر و زيان و آسيب رساندن به ديگران را نمى‏پذيرد، و بى‏گمان يكى از موارد ضرر و زيان، تخريب محيط زيست و آسيب رساندن به طبيعت و موجودات زنده است.

حديث شريف لاضرر عموميت دارد، و تخريب و آلودن محيط زيست، بى توجهى به آثار و زيانهاى ناشى از تخريب و آلودگى طبيعت، مصداق و جزء ضرر به آدميان است؛ چه در حال صلح باشد يا در حال جنگ.

قاعده پرهيز از وارد كردن ضرر و زيان، يك اصل خردپذير است كه ملاك صدور رأى ديوان بين المللى دادگسترى نيز قرار گرفته است. چنان كه اين ديوان در 20 دسامبر 1947م. براى حمايت از محيط زيست در مقابل آزمايش‏هاى هسته‏اى فرانسه در آب‏هاى اقيانوس، رأى بر منع چنين آزمايشهايى صادر كرد. در اين قضيه استراليا و نيوزيلند مدعى شدند كه آزمايش‏هاى هسته‏اى فرانسه علاوه بر نقض حاكميت اين كشورها، موجب نقض حقوق بين المللى محيط زيست است؛ زيرا اين آزمايشها موجب آلودگى آب، خاك، اقيانوسها، رودخانه‏ها، گياهان، و تغيير شرايط آب و هوايى مى‏شود. صدور رأى از سوى ديوان به نفع كشورهاى اقامه كننده دعوا، نشان دهنده حساسيت ديوان نسبت به لزوم حفظ محيط زيست سالم براى انسانها است.(21)

بنابراين، قاعده لاضرر به خوبى مى‏رساند كه بشر نمى‏تواند با رفتار زيان آور بر محيط زيست، سبب خسارت و زيان زيست محيطى بشود؛ چه آنكه دامنه اين قاعده به حدى گسترده است كه ضررها و زيانهاى ناشى از جنگ بر محيط زيست را نيز در بر مى‏گيرد.

4 - قاعده صلح و پرهيز از طغيان و خون ريزى‏

امروزه هيچ كس نمى‏تواند نقش زيانبار جنگهاى بين المللى و منطقه‏اى را در تخريب محيط زيست و اثرات سوء آنها را بر زندگى انسانها منكر شود. جامعه‏هايى كه محيط زندگى آنها در اثر جنگ نابوده شده و ساكنان آنها در معرض انواع بحرانهاى روانى و جسمى قرار گرفته‏اند، بى شمارند. بى‏گمان اهتمام به صلح و پرهيز از طغيان و خون ريزى كمك بزرگى به حفاظت از محيط زيست است. خوشبختانه در اسلام حفظ صلح و پرهيز از اختلاف، طغيان و خون ريزى بيش از هر مكتب ديگرى مورد توجه قرار گرفته است تا جايى كه كشتن يك انسان به ناحق و همچنين فساد و طغيان مثل كشتن تمام جهانيان شناخته شده است.(22) در تعاليم دينى برقرارى صلح و مصالحه ميان آدميان، والاتر از سالها نماز و روزه است.(23)

در نظام حقوقى اسلام كمك‏هاى بشر دوستانه و نجات انسان‏ها از مرگ و نابودى، نجات تمام بشر خوانده شده است.(24)

اهتمام به حفظ صلح و امنيت، در ماده يك منشور سازمان ملل متحد يكى از اهدف مهم اين سازمان ياد شده و همچنين در مقدمه منشور از اهميت صلح و محفوظ داشتن نسلهاى آينده از بلاى جنگ سخن رفته است.(25)

اهتمام اسلام به صلح و همچنين اهتمام حقوق و قواعد بين المللى به صلح، ترغيبى است به حفاظت از محيط زيست و رو آوردن به حيات طيبه بشرى. زندگى پاك بستگى به حفظ محيط زيست و رعايت مسائل زيست محيطى دارد.

5 - اهتمام به عمران و آبادانى

اسلام اهميت ويژه‏اى به عمران و آبادانى داده است. ترغيب و سفارشهايى كه در خصوص عمران زمين، توسعه زراعت و حفاظت و حمايت از آنها وارد شده بى شمار است و به برخى از آن‏ها اشاره مى‏شود:

امام على - عليه السلام - در فرمانش به مالك اشتر، نوشته است:

«بايد توجه تو در آبادى زمين بيشتر از توجه تو به گرفتن ماليات و خراج از مردم باشد؛ زيرا خراج بدون توجه به آبادانى به دست نمى‏آيد و كسى كه بدون آباد كردن به گرفتن ماليات و خراج بپردازد، به ويرانى شهرها و از بين بردن بندگان خدا دست زده است».(26)

حضرت على - عليه السلام - مهم‏ترين امر حكومتى را كه گرفتن ماليات باشد، به عمران و آبادانى منوط كرده است كه اگر دستگاه حكومتى بدون توجه به آبادانى به گرفتن ماليات اقدام كند، گويا به نابودى بندگان خدا دست زده است.

در حديثى از رسول خدا - صلى اللَّه عليه و آله و سلم، نهال كارى و حفر قنات از صدقات جاريه شمرده شده است كه خير و بركت و ثوابش پيوسته در دفتر اعمال انسان ثبت مى‏شود.(27) نيز سفارشها و احاديث زيادى قريب به اين مضمون وارد شده است كه اهميت و ترغيب فراوانى به محيط زيست، عمران و درختكارى داده است. اگر كسى در جنگها قواعد و حقوق بشر دوستانه را ناديده بگيرد و به محيط زيست، و آبادانى خسارت وارد كند، به معناى ناديده گرفتن دستورنامه‏هاى دينى است.

چنين قواعد عامى طرفهاى درگير صحنه جنگ را ملزم مى‏دارد كه به اصول و قواعد دينى و حقوق بشر دوستانه پايبند باشند.

6 - اصل حمايت از حيوانات‏

در اسلام بر حمايت از حيوانات تأكيد شده است و تمام انسانها در برابر حيوانات و جانداران مسئول شناخته شده‏اند.

حضرت على - عليه السلام - در خطبه‏اى كه در آغاز خلافتش ايراد كرد و در آن مسئوليت و حقوق مسلمانان را يادآورى كرد، فرمود:

«درباره بندگان و بلاد و شهرها از خداوند بترسيد، (مبادا بر كسى ستم كنيد و به ويرانى و تبهكارى زمين در بلاد و شهرها اقدام كنيد) همه شما مسئوليد و مورد پرسش قرار مى‏گيريد، حتى درباره زمينها و چهار پايان [كه به چه دليل مزرعه‏ها و جنگلها را از بين برديد، شهرها و خانه‏ها را ويران كرديد، و حيوانات زبان بسته را مورد اذيت و آزار قرار داديد].»(28)

در اين خطبه شريف به گونه‏اى از «محيط زيست» حمايت شده كه در هيچ مكتبى چنين حمايت نشده است.

در اسلام كشتن حيوانات بى جهت و بدون دليل ممنوع است.

رسول خدا - صلى اللَّه عليه و آله و سلم - فرموده است:

«حيوانات حلال را جز در صورت احتياج به گوشت آنها، كشتار نكنيد.»(29)

در اسلام مثله كردن حيوانات و خوردن چهارپايان مثله شده، مورد نكوهش شديد و لعن خداوند قرار گرفته و در حديث آمده است:

«كسى كه حيوانى را مثله كند، خداوند او را لعنت كرده است.»(30)

نيز رسول خدا - صلى اللَّه عليه و آله و سلم - از مثله كردن حيوانات نهى كرده،(31) چه رسد به مثله كردن انسان، كه متأسفانه در قرن توحّش مدرن عصر حاضر، شكنجه و مثله كردن انسان، امرى عادى به شمار مى‏رود.

در اسلام حمله و هجوم به لانه جوجه‏هاى پرنده‏ها نهى شده و از بين بردن خواب و آسايش و استراحت آنها مورد نكوهش قرار گرفته است.

رسول خدا - صلى اللَّه عليه و آله و سلم - فرموده است:

«به لانه جوجه‏ها حمله نكنيد و در هنگام استراحت آنها، خواب و آسايش آنها را از بين نبريد تا آن كه صبح طلوع كند.»(32)

ولى در قرن كنونى، توحّش به جايى رسيده كه بشر متمدّن امروزى از حمله به خانه انسانهاى بى دفاع با پيشرفته‏ترين ابزارهاى كشنده و رعب آور، هراس و ابايى ندارد.

اسلام به طيور و حيوانات و جنبنده‏ها آن قدر اهميت داده كه در كتابهاى حديثى بابى به احكام و قوانين مربوط به حيوانات و جانداران اختصاص داده شده است كه با مراجعه و دقت در آنها در مى‏يابيم كه اسلام درباره محيط زيست و رعايت حقوق جانداران و حفاظت از آن‏ها تا چه اندازه حساسيت نشان داده است.

در اسلام تمام انسانها در برابر حمايت از حيوانات و جانداران مسئول شناخته شده‏اند. دكتر گوستاولوبون نوشته است: در سرزمين‏هاى اسلامى جمعيت حمايت از حيوانات لازم نيست، اين قطعه از دنيا را مى‏توان بهشت حيوانات دانست، مسلمانان حقوق سگ، گربه و طيور را رعايت مى‏كنند، به خصوص در مسجدها و معبرها، پرندگان با كمال آزادى پرواز مى‏كنند، و در مناره‏ها لانه دارند، مسلمانان در اين باره به گونه‏اى هستند كه بايد ما اروپاييان خيلى چيزها را از آنان بياموزيم.(33)

اصل حمايت از حيوانات چه در نظام حقوقى اسلام و چه در قواعد حقوقى بين الملل، دوران جنگها را نيز در برمى‏گيرد، و متخاصمان صحنه نبرد را ملزم مى‏دارد كه با در نظر گرفتن قاعده حمايت از حيوانات موجب ضرر و خسران بر محيط زيست نشوند.

7 - اهتمام به نظافت و نهى از آلودگى‏

اهتمام به نظافت و رعايت بهداشت يكى از مصاديق برجسته «حفظ محيط زيست» است. در اسلام رعايت بهداشت و نظافت و پرهيز از آلودگى از جايگاه برجسته‏اى برخوردار است. رسول خدا - صلى اللَّه عليه وآله وسلم - همواره امتش را با بيانهاى مختلف به پاكيزگى ترغيب مى‏كرد(34) و مى‏فرمود:

«خداوند طيب و پاك است و پاكيزگى را دوست دارد،(35) و هر قدر كه مى‏توانيد نظافت كند، خداوند متعال، اسلام را بر نظافت و پاكى بنا نهاده است، و به جز پاكان هرگز كسى داخل بهشت نمى‏شود.»(36)

در اسلام، قضاى حاجت در كنار نهرهاى جارى و زير درختان ميوه دار مكروه و ناپسند شمرده شده است.(37) در اسلام تاكيد شده است كه زباله‏ها مانند مو، خون و ناخن دفن شوند.(38)

اهميت ويژه اسلام به نظافت و پرهيز از آلودگى، حمايت روشن از حفظ محيط زيست است و دوران جنگ را نيز در بر مى‏گيرد.

اصول و قواعد عام كه بر حفظ محيط زيست تاكيد دارد دوران جنگ را نيز در برمى‏گيرد. در عرف بين الملل و در آراى ديوان بين المللى دادگسترى و نيز در ساير كنوانسيونها» بين المللى نيز اين اصول به چشم مى‏خورد كه در اينجا به پاره‏اى از آراى ديوان اشاره مى‏شود.

ديوان دادگسترى بين المللى از آغاز فعاليت خود كه با قضيه كانال كورفو گره خورد، توجه خود را به تعهد دولتها در حفظ محيط زيست و مسئوليت آنها در برابر ورود صدمه به آن معطوف داشت و در بررسى قضيه كانال كورفو اعلام داشت هر دولتى موظف است كه اجازه ندهد سرزمينش براى لطمه زدن به حقوق ساير كشورها استفاده شود و در حقيقت مسئولت دولتهاى آسيب رساننده به محيط زيست را به عنوان اصلى اساسى و بنيادين قبول كرد. در آراى زير بر ابعاد و جنبه‏هاى مختلف حقوق بين الملل محيط زيست و تعهدات دولتها در جهت تامين حق انسانها بر داشتن محيط سالم تأكيد كرد:

يك: صدور رأى ديوان در قضيه قلمرو ماهى‏گيرى انگستان و آلمان عليه ايسلند كه در 25 جولاى 1974م. صادر شد، در قضيه مزبور محيط زيست را مورد توجه قرار داد و نوشت: «... اين منابع تنها براى استفاده نسل حاضر نيستند بلكه براى نسل آينده نيز حفظ شوند و اين كه هيچ دولتى نمى‏تواند منحصراً از منابع طبيعى محيط زيست استفاده كند و ميراث مشترك بشر را ناديده بگيرد؛ چرا كه اين منابع نعمتهايى هستند كه براى استفاده نسل حاضر و نسل‏هاى آينده هستند. بر اين اساس بقاى منابع طبيعى همانند اصل توجه به منابع سايرين ستونهاى حمايتى و اصلى حقوق محيط زيست را تشكيل مى‏دهند.(39)»

دو: رأى ديوان در قضيه خليج مين در 12 اكتبر 1984م.

در اين قضيه ديوان بين المللى دادگسترى در قضيه خليج مين براى مشخص كردن حدود دريايى و ترسيم مرز فلات قاره بين دو كشور آمريكا و كانادا ملاحظات زيست محيطى را در نظر گرفت و گفت كه مرز بايد طورى تعيين شود كه از اكوسيستم‏هاى دريايى وگونه‏هاى جانداران دريايى حفاظت گردد و از ورود صدمه به محيط زيست جلوگيرى شود و احتمال ورود خسارت به محيط زيست نرود.(40)

سه: همچنين ديوان در قضيه اختلاف بين دانمارك و نروژ در خصوص تعيين حدود مرز دريايى در منطقه ميان گرينلند و يان ماين در 14 ژوئن 1993م. حفظ محيط زيست را مورد ملاحظه قرار داد وبر ميراث مشترك بشريت و حقوق نسل‏هاى آينده انسان توجه كرد.(41)

چهار: رأى ديوان در اختلاف بين مجارستان و اسلواكى در قضيه ساختن سدهاى متحرك بود كه در سال 1994م. نزد ديوان مطرح شد و دولت مجارستان با ارائه مجموعه‏اى از استدلالهاى زيست محيطى كار پروژه را متوقف كرده و اسلواكى خواستار رسيدگى به اين قضيه شده بود. ديوان بين المللى ملاحظات زيست محيطى را در اجراى پروژه مذكور لازم دانست و گفت كه دولتها بايد در ارزيابى‏هاى خود خطرهاى زيست محيطى رامورد توجه قرار بدهند.(42)

بدين ترتيب ديوان بين المللى دادگسترى، دولتها را در برابر حفظ محيط زيست متعهد دانسته و در برابر صدمه زدن به آن مسئول شناخته است و اين اصول و قواعد، اختصاصى به دوران صلح ندارد، بلكه دوران جنگ را نيز شامل است. بر اساس قواعد عام ياد شده، دولتهاى درگير جنگ و همچنان كشورها در جنگهاى داخلى در قبال حفظ محيط زيست مسئول و متعهدند و از نظر قواعد عام و اصول بشر دوستانه هم از ديدگاه اسلام و هم از نظر حقوق بين الملل موظف به حفظ محيط زيست مى‏باشند.

ب - قوانين خاص‏

نوع دوم، قواعد و اصول خاصى است كه در نظام حقوقى اسلام و در متون دينى، ونظام حقوق بشر دوستانه بين الملل در ضمن معاهده‏ها و كنوانسيونها و آراى ديوان دادگسترى بين المللى براى حمايت از محيط زيست در دوران جنگ و منازعات مسلحانه ذكر شده است.

در ابتدا به اصول و مقررات بشر دوستانه اسلام براى حفظ محيط زيست در دوران جنگ اشاره و سپس به كنوانسيونهاى ناظر به حمايت از محيط زيست در دوران جنگ پرداخته مى‏شود.

مقررات بشر دوستانه اسلام براى حفظ محيط زيست در جنگها

از جمله مقررات بشر دوستانه اسلام براى حمايت و حفاظت از محيط زيست در جنگها كه در شرايط دوران جنگ صادر شده موارد زير است:

1 - منع قطع درختان و از بين بردن درختان ميوه دار جز در موارد اضطرار؛

2 - منع سوزاندن نخلها و بوستانها؛

3 - منع سوزاندن و از بين بردن مزرعه‏ها و كشتزارها؛

4 - منع پى كردن و از بين بردن بهائم و حيوانات؛

5 - منع پرتاب و انتشار زهر در مناطق دشمن و سرزمينهاى مشركان؛

6 - منع آسيب رساندن به دهقانان و كشاورزان؛

7 - منع كشتار پيرمردان، زنان، كودكان، اسيران و غير نظاميان؛

8 - منع بى حرمتى به اجساد و مثله كردن آنها.

در اينجا به ذكر پاره‏اى از احاديث كه بيانگر اين اصول بشر دوستانه است، مى‏پردازيم:

رسول خدا - صلى اللَّه عليه وآله وسلم - در هنگام اعزام ارتش به جبهه جنگ، به فرماندهان و سربازان چنين دستور مى‏داد:

«خيانت، زياده روى و خدعه نكنيد. پيرمردان، كودكان، زنان، فراريان از صحنه نبرد را به قتل نرسانيد، نخل‏ها را نسوزانيد، درخت و درخت ميوه دار را قطع نكنيد؛ مگر اين كه چاره‏اى جز آن نداشته باشيد. زراعت را آتش نزنيد. چهارپايان را كه گوشت آنها قابل خوردن است، از پا در نياوريد؛ مگر اين كه به خوردن گوشت آنها ناچار و مضطر باشيد.»(43)

حضرت على - عليه السلام - فرموده است:

«رسول خدا از انتشار زهر در سرزمين مشركان نهى كرده است.»(44)

در اسلام آلوده كردن مناطق دشمن به وسيله زهر و يا گازهاى مضر و خطرناك به محيط زيست ممنوع است.

نيز فقهاى شيعه قطع درختان و تخريب مزرعه‏ها را در سرزمين دشمن كه در حال جنگ با مسلمانان به سر مى‏برند، جايز نشمرده و آن را مكروه و ناپسنده قرار داده‏اند.(45) در اسلام پيكارگران صحنه نبرد كه به جنگ مشروع مبادرت مى‏ورزند، بايد جلو احساسات خصمانه را با مقررات اسلامى و بشر دوستانه منظم گردانند(46) تا به محيط زيست و حيات انسانها آسيب نرسد.

اصول و قواعد خاصى كه حفظ محيط زيست و مسائل مربوط به آن را در دوران جنگ ومنازعات مسلحانه مورد ملاحظه قرار داده و كشورها را متعهد به رعايت آن دانسته عبارتند از بند 3 ماده 35 پروتكل شماره 1 ضميمه كنوانسيونهاى ژنو مصوب 1977م. كه به موجب آن استفاده از ابزار و وسايل جنگى كه به غرض خسارت گسترده و شديد از سوى متخاصمان يا يكى از آنهابه كار گرفته مى‏شود و به طور طبيعى محيط زيست را مواجه با خطر و آسيب ديدگى مى‏كند و يا احتمال بروز تخريب محيط زيست برود، ممنوع شده است. به موجب بند 1 ماده 55 اين پروتكل نيز استفاده از چنين ابزار و اداوات جنگى ممنوع است.

همچنين مى‏توان به آراى ديوان بين المللى دادگسترى كه به نحوى مرتبط به جنگهاست، اشاره كرد؛ نظير قضيه آزمايش هسته‏اى فرانسه در آبهاى اقيانوس آرام، كه استراليا ونيوزيلند به سبب نقض حاكميت و نقض حقوق بين الملل محيط زيست خواستار توقف آن شدند و ديوان با بررسى استدلالهاى طرفين فرانسه را از ادامه آزمايشها منع كرد.(47)

وقتى آزمايش سلاحهاى هسته‏اى به جهت ضرر زدن به محيط زيست از نظر قواعد بين‏المللى ممنوع باشد، به كارگيرى چنين سلاحى كه مضر به محيط زيست است به طريق اولى از نظر عرف بين الملل ممنوع خواهد بود.

همچنين رأى ديوان در قضيه مشروعيت استفاده از سلاحهاى هسته‏اى در سال 1996م. مهمترين رأى ديوان در زمينه حفظ محيط زيست است. ديوان در صدور رأيش با تأكيد بر پرهيز دولتها از انجام اعمالى كه به محيط زيست آسيب مى‏رساند، نوشت: استفاده از هرنوع سلاح و از جمله سلاحهاى هسته‏اى و روش جنگى كه باعث ورود صدمه‏هاى شديد گسترده و طولانى مدت به محيط زيست شوند، ممنوع است. دراين زمينه ديوان به مواد 35 و 55 نخستين پروتكل الحاقى كنوانسيون‏هاى ژنو مصوب 1977م. و همچنين به كنفوانسيون بهره‏گيرى نظامى يا هر گونه استفاده خصمانه از تكنيكهاى تغيير محيط زيست استناد كرد.(48)

بنابر اين، قواعد و اصول عام و مقررات خاص بشر دوستانه دوران جنگ طرف‏هاى درگير را ملزم به رعايت حفظ محيط زيست مى‏كند. اين قوانين با داشتن ويژگى عرفى بين المللى، پشتوانه خوبى براى حفاظت محيط زيست است كه حتى كسانى كه در برابر اين قوانين تعهدى نكرده‏اند، براى حفظ محيط زيست ملزم به رعايت آن مى‏باشند.

نتيجه‏

يكى از موضوع‏هاى مهم جهانى، حفظ محيط زيست است كه مورد توجه حقوق بشر دوستانه واقع شده است؛ زيرا بهره بردارى از طبيعت، حفظ كرامت انسانى و تحقق امنيت و عدالت و توسعه نسلهاى آينده رابطه‏اى نزديك به رعايت حفظ محيط زيست و مسائل زيست محيطى دارد، و هر گونه زيان و تخريب طبيعت بر زندگى سالم انسانى اثر گذار است. در اين ميان يكى از مخرب‏ترين عامل تخريب محيط زيست و آسيب رسانى به زندگى بشر و حياط طبيعت و جانداران وقوع جنگ و به كار بردن سلاحهاى ويرانگر و ناديده گرفته مقررات جنگى است، چنان كه وقوع جنگها در زندگى بشر به خصوص جنگ جهانى اول و دوم و ساير جنگهايى كه پس از آن به وقوع پيوسته است، شاهد بر اين مطلب است. از اين رو قوانين و مقرراتى ناظر به دوران جنگ براى حفظ محيط زيست و حيات انسانى، كاهش رنج و گرفتاريهاى ناشى از جنگ و حمايت از اسيران، مجروحان، آوارگان و حفظ حقوق كسانى كه در جنگها بى طرف بوده‏اند، شكل پذيرفت و نام «حقوق بشر دوستانه» به خود گرفت.

مقررات بشر دوستانه كه از محيط زيست در جنگها حمايت مى‏كند در كنوانسيونهاى بين المللى به دو شيوه عام و خاص وجود دارد. قواعد عام، اصول و مقرراتى است كه مى‏توان از آنها به نفع حمايت از محيط زيست چه در دوران صلح و چه در دوران جنگ استفاده كرد. قواعد خاص، قوانينى است كه در دوران جنگ شكل گرفته و جنبه زيست محيطى آن بيشتر مورد توجه است. همچنين در اسلام هم قواعد و اصول عام و هم قواعد و اصول خاص ناظر به شرايط جنگ وجود دارد كه قرنها قبل از شكل‏گيرى حقوق بشر دوستانه در غرب شكل گرفته و از حفظ محيط زيست در دوران جنگ حمايت كرده است.

امروزه مقررات بشر دوستانه ناظر به حمايت از محيط زيست شيوه عرف بين المللى را به خود گرفته و براى همه كشورها الزام آور است، حتى براى كشورهايى كه خود را متعهد در برابرآن نمى‏دانند. ولى اين قوانين در صورتى مى‏توانند مانع تخريب محيط زيست در دوران جنگ باشند كه جامعه جهانى روى پنج نكته تكيه داشته باشد:

1- تلاش براى لازم الاجرا كردن كنوانسيونهايى كه حفاظت از محيط زيست را مورد توجه قرار داده است؛

2- تلاش براى بهينه سازى رعايت و اعمال مقررات مربوط به حمايت از محيط زيست در دوران جنگ؛

3- نظارت بر كارايى اين گونه قوانين و روشن كردن وضعيت نقض كنندگان قواعد و مقررات و اقدام عملى و مناسب در برابر مناقضان اين گونه قوانين؛

4- در برخورد با كشورهاى مناقض قوانين و مقررات مربوط به حفاظت محيط هيچ گونه تسامح و اغماض نشود و به تناسب ارتكاب جرم، نقض قواعد و سرپيچى از مقررات جهانى، مجازات شوند؛

5- تدابيرى در سطح جهانى سنجيده شود كه زمينه بروز جنگها اندك شود.

ولى اگر موارد پنجگانه در اثر تسامح و تساهل ناديده گرفته بشود، قواعد عام و يا خاص بين المللى نمى‏تواند پاسدار محيط زيست باشد. چنان كه امروز كشورهاى پيشرفته عملاً در تقابل و رويارويى زيست محيطى قرار گرفته و با توليد سلاحهاى كشتار جمعى و رقابت شديد نظامى و بحران سازى در جهان، محيط زيست را با خطر مواجه كرده‏اند.

به اميد روزى كه عدالت و صلح جهانى پايدار استقرار يابد و شاهد شكوفايى طبيعت و محيط پاك و پيراسته و امن براى همه انسانها باشيم.

پي نوشت ها:

1) تقويت همكاريهاى بين المللى، فريده شايگان، و...، تهران، انتشارات دانشكده حقوق و علوم سياسى دانشگاه تهران، 1382، ج‏1، ص‏55.

2) اسلام، حقوق و آزاديهاى اساسى انسان و مسأله حقوق بشر، مصطفى الرافعى، ترجمه افتخارزاده، قم، دفتر نشر معارف اسلامى، 1375ش، ص‏13.

3) هو الذى خلق لكم ما فى الارض جميعاً ثم استوى الى السَّماءِ فسوّاهُنَّ سبع سماوات و هو بكل شى‏ء عليم» سوره بقره (2) آيه 29.

4) لقد خلقنا الانسان فى احسن التقويم» سوره تين (93) آيه 3.

5) واذ قال ربك للملائكة انى جاعل فى الارض خليفة...» سوره بقره (2) آيه 30.

6) اللَّه الذى سخر لكم البحر لتجرى الفلك فيه بامره و لتبتغوا من فضله و لعلكم تشكرون وسخّر لكم ما فى السماوات و ما فى الارض جميعاً منه انَّ فى ذلك لايات لقوم يتفكرون» سوره جاثيه (45) آيه 12 - 13.

7) هو الذى خلق لكم ما فى الارض جميعاً ثم استوى الى السَّماء فسوّاهُنَّ سبعَ سماوات و هو بكل شى‏ء عليم» سوره بقره (2) آيه 29.

8) هو الذى جعل لكم الارض ذلولاً فامشوا فى مناكبها و كلوا من رزقه و اليه النشور» سوره ملك (67) آيه 15.

9) ان فى خلق السماوات و الارض واختلاف الليل و النهار و الفلك التى تجرى فى البحر بما ينفع الناس و ما انزل اللَّه من السماء من ماء فاحيا به الارض بعد موتها وبثَّ فيها من كل دابة و تصريف الرياح والسحاب المسخَّر بين السماء والارض لآيات لقوم يعقلون» سوره بقره (2) آيه 164.

10) مفاهيم كليدى حقوق بشر بين الملل، ص‏257.

11) تحقيق در دو نظام حقوق جهانى بشر از ديدگاه اسلام و غرب، محمد تقى جعفرى، تهران، دفتر خدمات حقوقى بين المللى، 1370، ص‏279؛ فرهنگ حقوق بشر، ص‏29.

12) سوره اسراء (17) آيه 70.

13) ر.ك: سوره تين (95)آيه 3؛ سوره مؤمنون (23) آيه 14؛ سوره بقره (2) آيه 30.

14) تحف العقول، ابن شعبه، قم، مؤسسه نشر اسلامى، 1363، ص‏34؛ الميزان فى تفسير القرآن، علامه طباطبايى، قم، دفتر انتشارات اسلامى، ج‏18، ص‏334.

15) ر.ك: فوائد الاصول، شيخ مرتضى انصارى، بيروت، مؤسسه الاعلمى، ج‏2 ص‏163.

16) سيرى كامل در اصول فقه، آية اللَّه فاضل لنكرانى، قم، روزنامه فيضيه، ج‏13، ص‏426.

17) وسائل الشيعة، حر عاملى، ج‏18، ص‏32، باب ثبوت خيار الغبن للمغبون.

18) عن أبى عبداللَّه - عليه السلام - قال قضى رسول اللَّه - صلى اللَّه عليه و آله و سلم - بالشفعة بين الشركاء فى الارضين و المساكن و قال لا ضرر و لا ضرار.» كافى، كلينى، دار الكتب الاسلاميه، ج‏5، ص‏280.

19) عن أبى عبد اللَّه - عليه السلام - قال: قضى رسول اللَّه - صلى اللَّه عليه و آله - بين أهل المدينة فى مشارب النخل أنه لايمنع نفع الشى‏ء و قضى - صلى اللَّه عليه و آله و سلم - بين أهل البادية أنه لايمنع فضل ماء ليمنع به فضل كلاء و قال لاضرر و لاضرار.» كافى، ج‏5، ص‏292، ح‏293.

20) وسائل الشيعة، حر عاملى، ج‏26، ص‏14.

21) مفاهيم كليدى حقوق بشر بين المللى، ص‏285.

22) من قتل نفساً بغير نفس أو فساد فى الارض فكانما قتل الناس جميعاً و من احياها فكانما احيا الناس جميعاً» سوره مائده (5) آيه 32.

23) قال على - عليه السلام - : فانى سمعت رسول اللَّه - صلى اللَّه عليه و آله - يقول: «صلاح ذات البين أفضل من عامة الصلاة والصوم.» سليم بن قيس، تحقيق محمد باقر انصارى زنجانى. ص‏445، شرح الاخبار، قاضى نعمان مغربى، قم، مؤسسه نشر اسلامى، ج‏2، ص‏448.

24) و من احياها فكانما احيا الناس جميعاً» سوره مائده (5) آيه 32.

25) مجموعه قوانين مجد، (منشور سازمان ملل متحد) حجت دولتشاه، تهران، نشر مجد، 1381ش، ص‏16 18.

26) نهج البلاغه، فيض الاسلام، نامه 53.

27) بحارالانوار، علامه مجلسى، بيروت، مؤسسة الوفاء، 1404، ج‏101، ص‏97.

28) نهج البلاغه، فيض الاسلام، خطبه 166.

29) وسائل الشيعة، حر عاملى، ج‏15، ص‏59.

30) لعن اللَّه من مثل بالحيوان» بحار الانوار، ج‏64، ص‏282.

31) نهى رسول اللَّه - صلى اللَّه عليه و آله و سلم - ان يمثل بالدّوابّ و أن تؤكل الممثول بها.» نهايه، ابن اثير، مادّه «مثل»، لسان العرب، مادّه «مثل».

32) وسائل الشيعه، ج‏23، ص‏381. نيز آمده است: «اتق اللَّه قتل الدواب كلها الا الافعى و العقرب والفأرة» همان، ج‏12، ص‏545.

33) تمدن اسلام و عرب، گوستاولوبون، ص‏446

34) كنزالفوائد، ابوالفتح كراجكى، ص‏285.

35) ميزان الحكمة، محمدى رى شهرى، قم، دارالحديث، 1375، ج‏4، ص‏2302.

36) تنظفوا بكل ما استطعتم، فان اللَّه تعالى بنى الاسلام على النظافة، و لن يدخل الجنة اِلاّ كل نظيف» ميزان الحكمة، (همان).

37) المقنع، صدوق، قم، الهادى، 1415 ق، ص‏8؛ وسائل الشيعة، حر عاملى، ج‏1، ص‏224.

38) ر.ك: بحارالانوار، ج‏37، ص‏123 و 124.

39) مفاهيم كليدى حقوق بشر بين المللى، ص‏257.

40) همان، ص‏258.

41) همان، 259.

42) همان، ص‏259 - 260.

43) وسائل الشيعة، ج‏11، ص 443 - 44.

44) همان، باب 16، حديث 1، ص‏46.

45) سرائر، ابن ادريس، ج‏2، ص‏21؛ شرائع الاسلام، محقق حلى، ج‏1، ص‏236، جامع المقاصد؛ محقق كركى، قم، موسسه آل بيت، 1408، ج‏3، ص‏412.

46) حقوق بين المللى، جلال الدين فارسى، ص‏24.

47) مفاهيم كليدى حقوق بشر بين الملل، ص‏258.

48) مفاهيم كليدى حقوق بشر بين الملل، ص‏259.